DOI.01.01.05
Quarterly Journal of Institutional Progress and Development
Vol. 1, No. 1, Spring 2025, 99-120

Identifying Institutional Factors Affecting Regional Entrepreneurship Development (Case Study: Ardabil Province)

Hamid Padash
Associate Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran
(Responsible author)
Bahman Khodapanah
Assistant Professor, Department of Business Management, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran khodapanah@uma.ac.ir

Date of Received: 2024/09/12 **Date of Acceptance**: 2025/03/16

Abstract
Regional entrepreneurship development, a cornerstone of economic advancement, is profoundly shaped by localized institutional factors that structure political, social, and economic interactions. This study with emphsysing Ardebil provinece seeks to identify the institutional determinants influencing regional entrepreneurship through a qualitative methodology, employing purposive interviews with key stakeholders, including university academics, entrepreneurs, and regional administrators. The findings underscore the critical role of formal and informal institutions in either facilitating or constraining entrepreneurial activities. The core categories derived from the data encompass regional enabling (facilitation and physical/service infrastructure), regional driving (motivation, competitiveness, and risk-taking), sustainability (social tolerance and knowledge dissemination).These factors highlight the imperative of tailoring institutional frameworks to local contexts to mitigate uncertainty and foster innovation. The study reveals the inadequacy

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

of universal development models in the Iranian context, advocating for bottom-up approaches rooted in local exigencies. It is recommended that regional policymakers prioritize regulatory simplification, bolster support networks, and integrate entrepreneurship education into academic curricula to enhance regional competitiveness and promote sustainable growth. Limitations include the lack of statistical generalizability due to the purposive sampling approach, suggesting that future research could employ quantitative or mixed-methods designs to address this gap.

Keywords: Entrepreneurship, Regional Entrepreneurship, Institutionalism, Ardabil

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

DOI.01.01.05
فصلنامه پیشرفت و توسعه نهادی
دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۴
صص ۱۲۰ – ۹۹

شناسایی عوامل نهادی موثر بر توسعه کارآفرینی منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان اردبیل)

حمید پاداش
دانشیاردانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران ،تهران،ایران(نویسنده مسئول) padash@ut.ac.ir
بهمن خداپناه
استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران khodapanah@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲ **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶**

چکیده
توسعه کارآفرینی منطقه‌ای به عنوان یکی از ارکان کلیدی پیشرفت اقتصادی، تحت تأثیر عوامل نهادی بومی قرار دارد که تعاملات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را شکل می‌دهند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر توسعه کارآفرینی منطقه‌ای، با رویکردی کیفی و از طریق مصاحبه‌های هدفمند با کنشگران کلیدی استان اردبیل انجام شد. یافته‌ها نشان‌دهنده نقش محوری نهادهای رسمی و غیررسمی در تسهیل یا مانع‌تراشی برای فعالیت‌های کارآفرینانه است. طبقات اصلی استخراج‌شده شامل بسترسازی منطقه‌ای (تسهیلگری و زیرساخت‌ها)، پیشرانی منطقه‌ای (انگیزه‌بخشی، رقابت‌پذیری و ریسک‌پذیری)، پایدارسازی (تحمل‌پذیری و آگاه‌سازی) هستند. این عوامل، با تأکید بر بومی‌سازی چارچوب‌های نهادی، نشان‌دهنده ضرورت انطباق سیاست‌های توسعه با اقتضائات محلی برای کاهش عدم قطعیت و تقویت نوآوری هستند. نتایج پژوهش بر ناکارآمدی رویکردهای جهان‌شمول در ایران و لزوم اتخاذ رویکردهای از پایین به بالا تأکید دارد. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران منطقه‌ای بر مانع‌زدایی مقرراتی، تقویت شبکه‌های حمایتی و ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه‌های دانشگاهی تمرکز کنند تا رقابت‌پذیری و رشد پایدار منطقه‌ای تقویت شود. محدودیت‌های پژوهش شامل عدم تعمیم‌پذیری آماری و تمرکز بر نمونه‌های هدفمند است که تحقیقات آتی می‌توانند با رویکردهای کمی یا ترکیبی، این شکاف را پر کنند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، کارآفرینی منطقه‌ای، نهادگرایی، اردبیل

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

مقدمه

فرآیندهای کارآفرینانه به‌طور ذاتی در سطح منطقه‌ای نمود می‌یابند (Feldman, 2001). تحلیل کنش‌های عاملان و کارآفرینان در مناطق، مستلزم توجه به چارچوب‌های نهادی است، زیرا بررسی فعالیت‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن زمینه نهادی که تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات عاملان اقتصادی در آن شکل می‌گیرد، امکان‌پذیر نیست (Taboada & Guerrero, 2014). از منظر سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای، رویکرد نهادگرایانه از تجویز سیاست‌ها یا برنامه‌های توسعه‌ای کلی و جهان‌شمول اجتناب می‌ورزد و بر این اصل تأکید دارد که هر سطح فضایی می‌تواند با توجه به شرایط و ویژگی‌های بومی خود، مسیر توسعه‌ای متمایز و متناسبی را دنبال کند.

با نگاهی به ادبیات توسعه، مشاهده می‌شود که علیرغم دیدگاه مکاتبی که توسعه را فرآیندی جهان‌شمول می‌پندارند و برای نیل به آن مسیر و روش یکسانی را فارغ از مکان و زمان توصیه می‌کنند، اندیشمندان اقتصادی و مکاتب دیگری بر این باورند که توسعه اقتصادی تحت تأثیر ویژگی‌ها شرایط، و اقتضائات بومی جوامع است؛ لذا، نهادهای موجود در کشورهای درحال توسعه ممکن است با نیازهای جامعه مورد نظر (مثلا کشور) انطباق نداشته باشد. درک و پذیرش صحیح این روش و الگو ایجاب می‌کند که شالوده بخش عمده دانش مورد نیاز به گونه‌ای در داخل ایجاد شود. بنابراین از این منظر، دستور کار وارداتی یا همان شیوه نخست، بی‌فایده است. نهادها باید در داخل شکل بگیرند و به تجارب، دانش و آزمون‌های داخلی متکی باشند. آمارتیا سن(۱۳۸۴) در این رابطه مدعی است « نه دستورالعمل و نه دانش بومی، تمام ماجرا نیست. حتی در بهترین حالت، وارد کردن دستور کار برای اجرای موفقیت‌آمیز به متخصصان و کارشناسان داخلی نیاز دارد». این رویکرد، یک نوع رویکرد از پایین به بالا است که به جای کپی کردن سیاست‌های برگرفته از ترتیبات نهادی مناطق توسعه یافته، مبتنی بر درک و پذیرش، و جامعه پذیری اطلاعات بومی است. چارچوب نهادی بومی، می‌تواند موجب درک و پذیرش دانش بومی گردند و به ایجاد نهادهای برتر کمک رسانند.

به طور مشخص در این تحقیق، ما به دنبال ارائه یک چارچوب نهادی بومی به منظور توسعه کارآفرینی در سطح مناطق(منظور از منطقه سطح استان در نظر گفته شده است) با تاکید بر استان اردبیل هستم. چرا که معتقد هستیم؛ استفاده از چارچوب‌های موجود و جهانشمول گرچه موجب پیدایش فناوریهای جدید و کارآمد در سطح کشورها و تحولات چشمگیری را در فرآیند کارآفرینی شده است، اما شکست برنامه‌ی توسعه اقتصادی در ایران منجر به بروز معضلاتی گردیده که ریشه آن را می‌توان استفاده کورکورانه

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی ۱۰۲
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

از چارچوب‌های موجود جست و جو کرد. پس دانش موجود، علی‌رغم همه مزایایی که با خود به همراه دارد، نقاط ضعفی را نیز در بر دارد و یکی از مهمترین راهکارهای حل این مسئله بومیسازی چارچوب‌های علمی در سطح مناطق مختلف؛ و متناسب با ترتیبات نهادی همان مناطق می‌باشد.

مبانی نظری

استفاده از کلمه نهاد قدمتی بسیار طولانی دارد. نخستین بار گیامباتیستا ویکو (۱۷۲۵) در کتاب ساینزا نووا از این واژه استفاده کرد (هاجسن،۲۰۰۶). پنجاه سال بعد، آدام اسمیت با نوشتن کتاب «ثروت ملل»، رشته اقتصاد را بنیان نهاد. او بر خلاف تصور رایج، به نقش نهادها و فرهنگ در اقتصاد نیز توجه داشت به طوری که در این کتاب بیش از ۸۰ بار از واژه نهاد و ۳۴ بار از واژه قاعده استفاده کرد. هر چند نگاه اسمیت به نهادها در این کتاب نگاه عمیقی نبود اما همین میزان توجه هم در سال‌های بعد به دلایل مختلف ازجمله پیشرفتهای علم فیزیک و علاقه مندی دانشمندان علم اقتصاد به استفاده از شیوههای مورد استفاده در علم فیزیک برای انجام تحلیلهای اقتصادی، به تدریج کمتر شد.شومپیتر (۱۹۸۵) با اشاره به این نکته، بیان می‌کند که اندیشمندان اقتصاد کلاسیک مانند ژان باتیست سه و جان استوارت میل به اهمیت نهادها واقف بودند اما زحمت تصریح جزییات «چارچوب نهادی» مدنظرشان را متحمل نمیشدند و آن‌ها را مفروض میدانستند.

هر چند در طول قرنهای نوزدهم و بیستم توجه به نهادها دچار فراز ونشیبهای فراوانی بوده اما در حال حاضر، در این زمینه که نهادها اهمیت دارند، توافق گسترده و وسیعی شکل گرفته است و نهادگرایی، امروزه کاملا مرسوم و متداول است. اقتصاد نهادی مجموعهای از نظریه هاست که وجه اشتراک آن‌ها « مهم دانستن توجه به نهادها» است (چاونس، ۲۰۰۹) و توسط دانشمندانی چون داگلاس نورث (۱۹۹۰) با احیای جریان اقتصاد نهادی و استرام (۱۹۹۰) با تشریح اهمیت فزاینده مدلهای نهادهای سیاسی و اجتماعی انتخاب عقلانی پی گرفته شده است.

نهادها به زعم داگلاس نورث [1](۱۹۹۱)، محدودیتهای «انسان ساختی» هستند که در تعاملات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آیند. محدودیتها شامل دو نوع محدودیت غیررسمی (تحریم‌ها، تابوها، آداب و رسوم، سنتها و کدهای رفتاری) و محدودیتهای رسمی (قانون اساسی، حقوق مالکانه و...) میشود. در سراسر تاریخ، نهادها توسط بشر به منظور کاهش عدم قطعیت در داد و ستدها

1. North

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

به وجود آمده‌اند. در محیطی که نوآوری و دانش، پیشران توسعه اقتصادی هستند، نقش نهادها بسیار حائز اهمیت است. تعامل بین بازیگران و نهادها، و به تبع آن، ایجاد ارتباط بین سیستم تولید، مقامات دولتی، دانشگاهها و مراکز آموزشی است که عملکرد نوآورانه بنگاهها، سازمانها و اقتصادها را تحت تأثیر قرار میدهد (Caniëls, Bosch & van, 2011). نورث اشاره میکند که رقابت، سازمانها را وادار میکند که به منظور بقا، به صورت مداوم در مهارتها و دانش سرمایه‌گذاری کنند(اسچیلیرو[1] ، ۲۰۱۲). از این نظر، دارایی دانشی که افراد یک جامعه در اختیار دارند، یک عامل تعیین‌کننده بسیار کلیدی از عملکرد اقتصادها و جوامع است. به بیان دیگر تغییر در دارایی دانش، کلیدی برای تکامل اقتصادها و جوامع است(ویتلی[2]، ۲۰۰۰). این دانش یا به صورت تجربه کاری و یا به صورت آموزش‌های رسمی کسب میشود. مهم‌ترین چیزی که بقای یک سازمان راتعیین میکند، کارایی آن نسبت به رقبا است. به علاوه، باید اذعان کرد که تمام فرایند خلق دانش و توزیع آن در یک اقتصاد دانش بنیان، به سیاست‌گذاری‌های مناسب دولت بستگی دارد، سیاستهایی که معمولا نتیجه محرک‌های نوآوری و رژیم نهادی است(گیلز[3] ، ۲۰۰۴). هاجسون(۲۰۰۶) نهادها را به عنوان نظامی از قواعد تثبیت شده و رایج در جامعه که به تعاملات، سیستمهای اجتماعی ساختار میدهند، تعریف میکند. براساس این تعریف، زبان، پول، قانون مربوط به وزن و اندازهگیری، آدابِ غذاخوردن و بنگاهها (و دیگر سازمانها) همگی نهاد هستند.

کمی فراتر از نگاهی که نهادها را به عنوان رفتار هنجاری شناسایی می‌کند، ممکن است آن‌ها را به عنوان قواعد اجتماعی که ساختار تعامل اجتماعی را مشخص میکند معرفی کنیم (Hodgson 2001, 294). این قواعد کنش اجتماعی معنادار با ارائه الگویی از چگونگی احساس رفتار دیگران در یک شرایط خاص، افراد را قادر میسازد تا مسائل را با نوآوری معقولی حل نمایند. برای مثال؛ اینکه معامله گران سهام (یا اسب) میتوانند قراردادها را با علائم دستی منعقد کنند(فقط به دلیل درک مشترک از قوانین اجتماعی آموخته شده است)، و تنها قوانین مشترک اجتماعی این امکان را به وجود میآورد که مثلا در تدریس کلاسی هر یک از معلم و دانش آموزان مطابق نقش خود عمل کنند. در نتیجه، به غیر از فعال کردن کنش اجتماعی، نهادها اشکال خاصی از رفتار را محدود می‌کنند. ترسیم انواع مختلف نهادها امکان پذیر است. در یک طرف، نهادهای رسمی که مشخص و مدون شده‌اند و تخلف از آن‌ها اغلب صریحاً منجر به مجازات می‌شود. نمونه-هایی از این نهادهای رسمی عبارت‌اند از قراردادها، اساسنامه

1. Schiliro
2. Whitley
3. Geels

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۰۴
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

سازمانی یا مقررات قانونی. نهادها رسمی توسط نهادهای غیر رسمی، که ظریف‌تر و پراکنده هستند، تکمیل و اغلب مورد حمایت و اثبات قرار می‌گیرند. اگرچه نهادهای غیر رسمی قابل مشاهده هستند، اما اغلب توسط بازیگران(افراد، سازمان‌ها و. ..) که حتی ممکن است آن‌ها را طبیعی یا داده شده تلقی کنند، شناخته نمی‌شوند. نمونه‌هایی از نهادها غیررسمی طبیعی، دستههای خاصی هستند که گروه‌ها را مشخص می‌کنند، برای مثال، جنسیت یا قومیت، همچنین روال (فرهنگ) کار نکردن در تعطیلات آخر هفته. روش دیگر تفکیک بین نهادهای رسمی و غیررسمی، رفتار با اولی به عنوان الزام آور و دومی به عنوان قوانین غیر الزام آور است(Khalil 1994, 255).

کارآفرینی منطقه‌ای

کارآفرینی فرایند پیدایش و ظهور است. تمامی مراحل این فرایند تحت تأثیر عوامل گوناگونی است. به‌منظور تحلیل کارآفرینی منطقه‌ای، منطقی است که این عوامل را به محیط‌های ملی (ماکرو)، محیط‌های میکرو محیط‌های منطقه‌ای (مزو) تقسیم کنیم. عوامل ملی فرا منطقه‌ای هستند و شامل شرایط مالی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین ساختار آموزشی و تحقیق، زیرساخت‌ها و ساختار اقتصادی است. یک مؤلفه واضح و نمایان ساختار ماکرو، وجود و چیرگی صنایع شخصی و انفرادی در یک منطقه است (شین ۲۰۰۳). محیط منطقه‌ای شامل مؤلفه‌های مشابه با محیط ملی است، به‌جز اینکه در این حالت سؤال اصلی مشخصه‌های هر منطقه است و نه کل کشور. همین‌طور برای سطح میکرو، عوامل محیطی اجتماعی شامل پیش‌زمینه‌های حرفه‌ای و اجتماعی و همچنین شبکه‌های خودمحور[1] کارآفرینان بالقوه است. این مؤلفه‌ها می‌توانند تحت تأثیر عوامل منطقه‌ای (شبکه‌های خصوصی) و یا عوامل فرا منطقه‌ای (تعداد عظیمی از شبکه‌های حرفه‌ای) شکل بگیرند. عوامل شخصی مربوط به پایه‌گذاران استارت آپ مانند انگیزه‌های کارآفرینانه (عوامل مرتبط با تئوری هل دادن و کشیدن)، عوامل مرتبط با جمعیت (سن و جنسیت) و همچنین اخلاق و شخصیت (مانند بازدهی و ریسک‌پذیری)، ربطی به سه دسته ذکرشده از محیط‌ها ندارد. در عوض، این‌ها می‌توانند تأثیر مستقیمی بر روی استنباط و درک این سه محیط و درنتیجه آن تصمیمات استارت آپ و موفقیت آن بگذارد(آلوازرز و همکاران[2]، ۲۰۰۶).

هر فرد سیگنال‌های محیطی که دریافت می‌کند را فیلتر می‌نماید. مجموع فعالیت‌های کارآفرینانه انفرادی در یک منطقه خاص، فعالیت کارآفرینانه آن منطقه را تعیین می‌نماید. به‌عنوان یک قانون، عوامل

1. Egocentric networks
2. Alvarez, S. A., Agarwal, R. R., & Sorenson, O

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

ماکرو و میکرو در تمامی کشورها و تمامی مناطق یک کشور، تأثیرگذار و کاربردی هستند. آن‌ها علی‌رغم بعد منطقه‌ای مشخص، تأثیرگذاری متفاوت و درنتیجه در مناطق گوناگون به‌صورت‌های مختلفی کار می‌کنند. امروزه، حتی اقتصاددانان صنعتی محض[1] نیز این موضوع را قبول کردند که «محیط‌های جغرافیایی کاملاً متفاوت می‌توانند تغییرپذیری عوامل و تأثیر تشکیل شرکت‌های جدید را افزایش دهد» (سانتارلی ویوارلی[2] ۲۰۰۷ ص ۴۶۵). در محیط‌های دانشگاهی، درجه بالای پابرجایی مکانی کارآفرینان به‌درستی به‌عنوان یکی از شواهد اهمیت محیط منطقه‌ای برای استارت آپها تفسیر می‌شود (واگنر[3] ۲۰۰۴، برگمن[4] ۲۰۰۲). همچنین، کارآفرینان موفق و شکوفا به ثبات خوبی در شغل، زندگی و جامعه رسیده‌اند و همین امر شروع کسب‌وکار جدید وابسته به محیط‌های محلی را ترویج می‌کند(رینولدز ۱۹۹۷). درنهایت، باید اذعان داشت که در کنار قرابت مکانی، قرابت‌های سازمانی و موسسه‌ای، اجتماعی و شناختی نیز بر روی فرایندهای کارآفرینانه تأثیر می‌گذارند. اگر دیگر قرابت‌ها وجود نداشته باشد، قرابت جغرافیایی به‌تنهایی نمی‌تواند فعالیت‌های کارآفرینانه واقعی را تضمین کند (بوشما[5] ۲۰۰۵، اشترنبرگ ۲۰۰۷).

تحلیل ارتباط نهادها و کارآفرینی منطقه‌ای

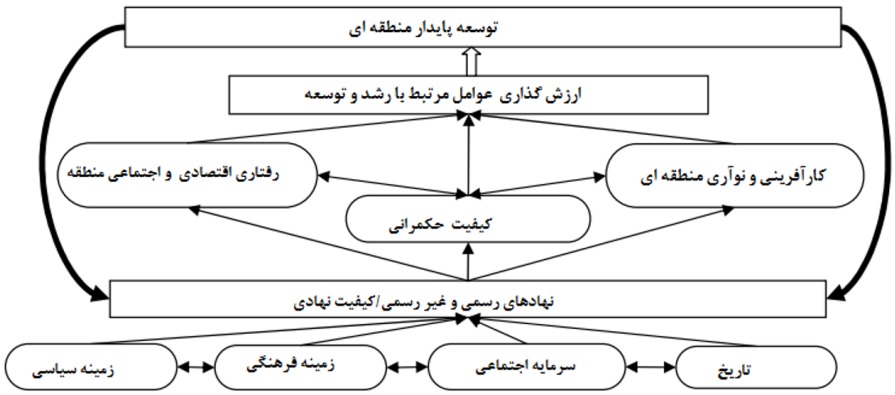
مطالعات بی‌شماری به توضیح اثرات انواع نهادها بر سطح کارآفرینی اختصاص یافته است (مانند بوسنیتز و همکاران، ۲۰۰۰؛ وستلوند و بولتون، ۲۰۰۳؛ اسپنسر و گومز، ۲۰۰۴؛ لی و همکاران، ۲۰۰۷؛ آیدیس. و همکاران، ۲۰۰۸؛ نیستروم، ۲۰۰۸؛ گرینر، ۲۰۰۹؛ میچل و کمپبل، ۲۰۰۹). این مطالعات و سایر مطالعات مختلف در این زمینه (چه به لحاظ نظری و چه تجربی) نشان داده است که کیفیت نهادی عامل مهمی در جهت گسترش فعالیت های کارآفرینانه است. از سوی دیگر، بسیاری از مطالعات، نقش فعالیت‌های کارآفرینانه را در فرآیند تغییر نهادی توضیح می‌دهند (به عنوان مثال، کوزول رایت و ریمنت، ۱۹۹۷؛ یو، ۲۰۰۱؛ باز و ابوالفیا، ۲۰۰۲؛ گرین‌وود و سودابی، ۲۰۰۶؛ اوتاهال، ۲۰۱۲. کلانتریدیسا و فلچر، ۲۰۱۲؛ و کوچار، ۲۰۱۵؛ فوئنتل ساز و همکاران، ۲۰۱۵؛). یافته کلی این مطالعات این است که کارآفرینان منبع مهمی برای ایجاد تغییرات نهادی در کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه هستند. اگرچه مطالعات موجود تاکنون رابطه بین کارآفرینی و تغییرات نهادی را بررسی کرده‌اند، اما تمامی این

1. Pure Industrial economists
2. Santarelli and Vivarelli
3. Wagner
4. Bergmann
5. Boschma

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

مطالعات ارتباط علی بین این متغیرها و جهت علیت فرضی را نادیده می‌گیرند (Samadi, 2019).

فنگ (۲۰۰۳) معتقد است که شواهد تجربی در مورد ارتباط بین نهادها، کیفیت حکومت، رژیم سیاسی و رشد اقتصادی (توسعه) هنوز مبهم است. مطالعات انجام شده جنبه‌های مختلفی از کیفیت حکمرانی را نشان می دهد که بر رشد و توسعه تأثیر می‌گذارد: تضمین و ایمنی حقوق مالکیت، فساد، کارایی بوروکراسی, حاکمیت قانون، عوامل مرتبط با رژیم سیاسی (کاهش بی ثباتی سیاسی، اطمینان سیاسی و افزایش آزادی سیاسی – بسیاری از نویسندگانی که ارتباط بین نهادها و رشد اقتصادی را تحلیل کرده‌اند، معتقد هستند که ترتیبات توسعه یافته به صورت محلی یا منطقه ای بهتر از ترتیبات ملی عمل می‌کند و به محلات یا مناطق اجازه می دهد تا در مسیر توسعه اقتصادی پایدار قرار گیرند (Rodri-guez-Pose, 2010).



شکل ۱: رابطه بین نهادها، عملکرد اقتصادی و توسعه

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی بوده و با توجه به عدم دستکاری سطوح متغیرها، پژوهشی توصیفی می‌باشد. جامعه پژوهش حاضر را کنشگران(اساتید دانشگاه، کارآفرینان، مدیران سطح منطقه‌ای-استان اردبیل- می‌باشد) حوزه اقتصاد و کارآفرینی منطقه‌ای تشکیل می‌دهند. با توجه به کیفی بودن شیوه انجام تحقیق و استفاده از روش مصاحبه برای گردآوری دادهها. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده از نوع ملاک محور(criterion) و فرصت محور می‌باشد. و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت.

گردآوری داده‌ها در این پژوهش، با استفاده از پروتکل مصاحبه مستخرج از ادبیات پژوهش در زمینه توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در بستر نهادی انجام یافته است.

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

یافته‌ها

در ادامه ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در پژوهش را ارائه خواهیم نمود.

ردیف	شماره مصاحبه	سن	جنسیت	سابقه کار پاسخ دهنده	سابقه کار مدیریتی	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی زمینه فعالیت	زمینه فعالیت
۱	مصاحبه ۱	۴۵	مرد	۱۴	۱۲	دکتری	مدیریت	عضو هیات علمی
۲	مصاحبه۲	۳۹	زن	۱۴	۸	کارشناسی	کشاورزی	کارآفرین
۳	مصاحبه۳	۴۲	مرد	۲۰	۶	کارشناسی ارشد	حسابداری	مدیر اجرایی
۴	مصاحبه۴	۳۸	مرد	۱۷	۱۵	کارشناسی	صنایع-تولید صنعتی	کارآفرین
۵	مصاحبه۵	۳۵	مرد	۱۶	۱/۵	دکتری	نرم افزار کامپیوتر	عضو هیات علمی
۶	مصاحبه۶	۳۱	مرد	۹	۷	کارشناسی ارشد	مهندسی مکانیک	کارآفرین
۷	مصاحبه۷	۳۵	مرد	۱۲	۶	کارشناسی ارشد	مهندسی مکانیک	مدیر اجرایی
۸	مصاحبه۸	۳۵	مرد	۱۰	۵	کارشناسی ارشد	مدیریت اجرایی	کارآفرین
۹	مصاحبه۹	۴۵	مرد	۲۵	۷	کارشناسی	مدیریت	مدیر اجرایی
۱۰	مصاحبه۱۰	۵۵	مرد	۲۹	۱۳	کارشناسی ارشد	مدیریت	کارآفرین
۱۱	مصاحبه۱۱	۴۹	مرد	۲۳	۸	دکتری	اقتصاد	عضو هیات علمی
۱۲	مصاحبه۱۲	۵۳	مرد	۲۷	۱۵	کارشناسی	اقتصاد	مدیر اجرایی
۱۳	مصاحبه۱۳	۶۵	مرد	۳۵	۲۱	کارشناسی ارشد	مهندسی-مالی-حقوق	مدیر اجرایی
۱۴	مصاحبه۱۴	۳۴	زن	۱۴	۱۰	کارشناسی ارشد	مدیریت IT	مدیر اجرایی
۱۵	مصاحبه۱۵	۴۱	مرد	۱۶	۶	کارشناسی ارشد	مدیریت کسب و کار	کارآفرین
۱۶	مصاحبه۱۶	۳۳	مرد	۱۲	۵	کارشناسی ارشد	حقوق	کارآفرین
۱۷	مصاحبه۱۷	۳۹	مرد	۱۲	۵	کارشناسی	مدیریت کسب و کار	کارآفرین
۱۸	مصاحبه۱۸	۴۵	مرد	۱۸	۷	کارشناسی ارشد	جامعه شناسی	مدیر اجرایی
۱۹	مصاحبه ۱۹	۴۱	زن	۱۹	۸	کارشناسی ارشد	حقوق	کارآفرین
۲۰	مصاحبه ۲۰	۵۱	مرد	۲۳	۱۴	کارشناسی ارشد	مدیریت بازرگانی	مدیر اجرایی

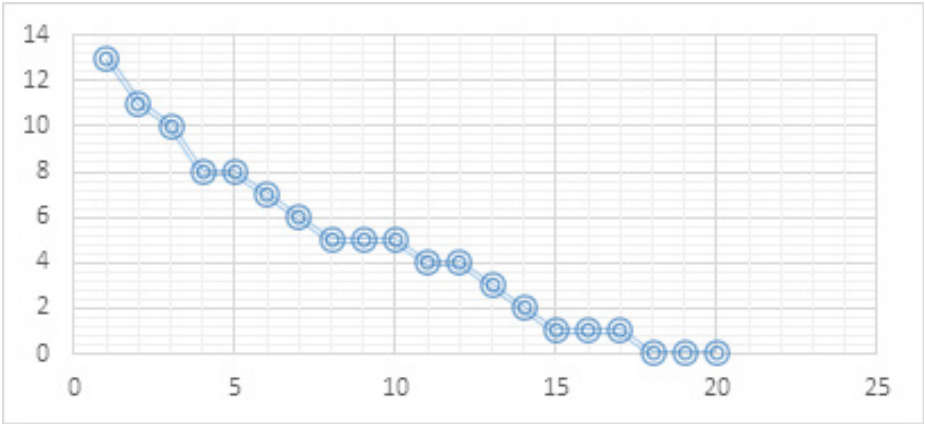
جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۷۰۱
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

کدگذاری

در این مرحله، پس از پیاده سازی مصاحبه در قالب متن، فرایند کدگذاری درسه سطح باز، محوری و انتخابی انجام گردید. در مرحله کدگذاری باز، ۱۱۱ کد اولیه احصاء گردید که پس از ادغام و حذف کدهای نامربوط ۹۴ کد باز نهایی به دست آمد. همانگونه که در نمودار شماره یک ملاحظه می‌گردد، پس از مصاحبه ۱۷ تعداد کدهای جدید به دست آمده به صفر رسیده است، اما پژوهشگران برای اطمینان بیشتر سه مصاحبه دیگر نیز انجام داده‌اند.



نمودار۱. فرایند اشباع نظری داده‌های تحقیق

پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری انجام گردید و نهایتا کدگذاری انتخابی صورت گرفت. در این گام، کدهای مربوط به طبقه اصلی «توسعه کارآفرینی منطقه‌ای» مورد شناسایی و تحلیل قرار می‌گیرد(Glaser, 1978; Wiesche, Jurisch, Yetton, & Krcmar, 2017). فرآیندی است که به واسطه آن، طبقات شناسایی شده، به طبقه محوری مرتبط می‌گردند (Babchuk, 1996). به عبارت دیگر، فرآیندی است که در آن، یک طبقه محوری انتخاب شده و سایر طبقات به شیوهای نظام مند به آن ارتباط داده شده، روابط اعتباربخشی شده و طبقاتی که نیاز به پالایش و توسعه بیشتر دارند پربار می‌گردند(Strauss & Corbin, 1990). نتیجه سه مرحله کدگذاری در جدول شمار(۲) نشان داده شده است.

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

جدول۲. کدهای باز، محوری و انتخابی احصاء شده از داده‌های تحقیق

طبقه انتخابی	طبقه محوری	کدهای متناظر
بسترسازی منطقه‌ای	زیرساخت‌سازی نهادی	زیرساخت‌های فیزیکی نهادی مناسب
		تسهیلگری نهادی برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی
		حمایت نهادی از ایده‌های نوآورانه دانشجویان
		زیرساخت‌های نهادی منطقه‌ای
		خدمات حمایتی نهادی دولتی
		خودمختاری نهادی مقامات محلی در سیاست‌گذاری
		کیفیت خدمات‌رسانی نهادی به کسب‌وکارها
		سهولت نهادی در اخذ مجوزها
		کمبود تیم‌های تسهیلگر نهادی برای ترویج کارآفرینی
	توسعه دانش نهادی	– تحقیق و توسعه نهادی در کارآفرینی منطقه‌ای
		گسترش نهادی رشته‌های کارآفرینی در منطقه
		سطح دانش نهادی صاحبان کسب‌وکارها
		حضور نهادهای آموزشی متعدد در منطقه
		توسعه نهادی شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری
		برون‌سپاری نهادی تحقیق و توسعه
		پاداش‌دهی نهادی به نوآوری‌های کارآفرینانه
	رفع موانع نهادی	– کاهش مداخلات نهادی محلی در کسب‌وکارها
		رفع محدودیت‌های نهادی منطقه‌ای برای کسب‌وکارهای جدید
		حذف مقررات نهادی دست‌وپاگیر برای ورود به کسب‌وکار
		کاهش موانع نهادی ورود و خروج به کسب‌وکار
		ساده‌سازی مقررات نهادی سنگین
		کاهش بروکراسی نهادی و موانع مجوزی
		کاهش هزینه‌های نهادی تولیدات فناورانه

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

پیشرانی منطقه‌ای	انگیزه‌بخشی نهادی	– انگیزه‌بخشی نهادی به کارآفرینان
		کاهش کمبود روحیه نوآوری نهادی
		حمایت‌های معنوی نهادی از کارآفرینان
		ایجاد امید نهادی به بهبود عملکرد کسب‌وکار
		جذابیت مالی نهادی برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر
		حمایت نهادی دانشگاه از فعالیت‌های کارآفرینانه
		ایجاد صندوق‌های مالی نهادی دولتی و خصوصی
		اصلاح آیین‌نامه‌های نهادی ارتقا برای حمایت از کارآفرینی
	جهت‌گیری کارآفرینانه	– رضایت نهادی مردم به منافع حداقلی
		جهت‌گیری نهادی کارآفرینی در برنامه‌های آموزشی
		تقویت حس نیاز نهادی به کارآفرینی در نسل جوان
		هدف‌گذاری نهادی مراکز علمی در مرز دانش
	رقابت‌پذیری نهادی	– برون‌سپاری نهادی فعالیت‌های دولتی به کسب‌وکارهای نوپا
		تخصصی‌سازی نهادی بخش‌های تولیدی
		اجتناب نهادی از رقابت مخرب
		توزیع برابر فرصت‌های نهادی
		کاهش سلطه نهادی نیروهای نظامی در منطقه
		مدیریت شدت رقابت نهادی کسب‌وکارها
		رقابت‌پذیری نهادی با قیمت محصولات
		تقویت باور نهادی مردم به عدالت در کسب‌وکار
		بهره‌برداری از مزیت نسبی نهادی منطقه

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

پایدارسازی	چابک‌سازی نهادی	– استقرار نظام‌های پایش نهادی برای کارآفرینی
		چابک‌سازی نهادی فرآیندهای دانشگاهی
		تربیت نهادی نیروی کار ماهر محلی
		آموزش مهارت‌های مدیریتی و مالی نهادی
		تقویت مهارت و تعهد نیروی کار نهادی
		بهبود مهارت‌های بازار نهادی
		رفع بحران‌های نهادی ناشی از کمبود مهارت
		تقویت فرهنگ سخت‌کوشی نهادی منطقه‌ای
		– رفع کمبود دانش و ابزار نهادی تولید
		کارایی نهادهای سیاست‌گذار نهادی
	فرصت‌سازی نهادی	کاهش مصرف‌زدگی نهادی و تقویت نوآوری
		ایجاد نقاط کانونی نهادی برای ایده‌پردازی
		تقویت روحیه فرصت‌شناسی نهادی ساکنان
		– فرهنگ‌سازی نهادی ایده‌پردازی محلی
		جذابیت نهادی ایده‌ها برای کسب‌وکار
	تحول نهادی	تحول نهادی در ارزش‌ها و باورهای مدیران
		شیفت فرهنگی نهادی در پذیرش فناوری
		کاهش مقاومت نهادی مردم به فناوری
		تحول گفتمانی نهادی در کارآفرینی
		افزایش آموزش‌پذیری نهادی مردم
		کاهش عادت نهادی به شرایط موجود
		پاسخگویی به ترجیحات نهادی تقاضای محصول
	آموزش و آگاهسازی نهادی	ایجاد تیم‌های مشاور علمی و فنی نهادی
		آموزش نهادی در محیط واقعی کار
		– ارتقای یادگیری نهادی در چرخه عمر کسب‌وکار
		تقویت سرریز دانش نهادی بین کسب‌وکارها

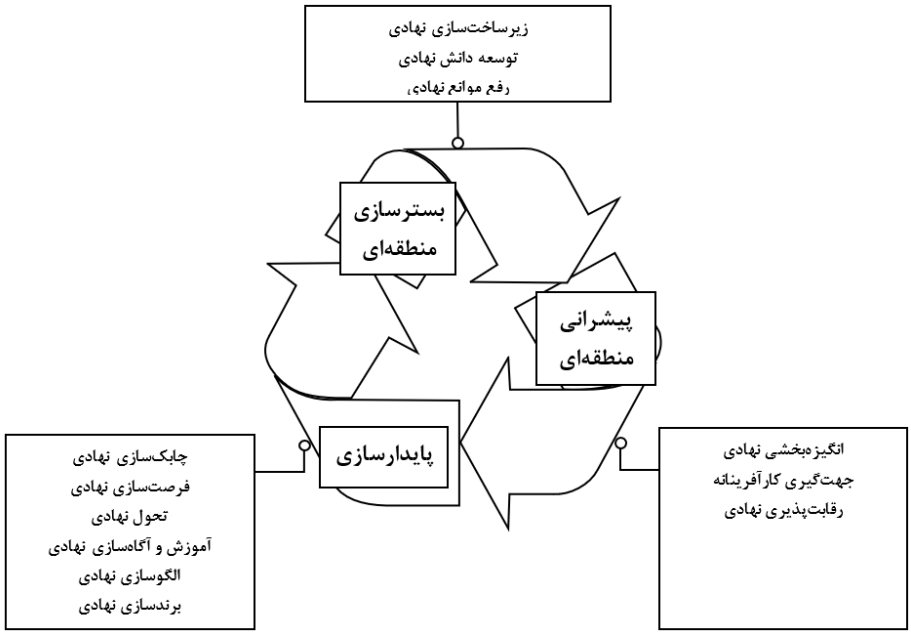
انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی ۱۱۲
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

پایدارسازی	آموزش و آگاه‌سازی نهادی	بهبود دانش نهادی تدوین مقررات
		ارائه مشاوره علمی و فناورانه نهادی
		– توسعه تحقیقات کاربردی نهادی منطقه‌ای
		تقویت دانش بازار نهادی کارآفرینان
		سرریز دانش کسب‌وکاری نهادی در منطقه
		گسترش روش‌های آموزشی نوآورانه نهادی
		پرورش مربیان نهادی برای مهارت‌های کارآفرینی
	الگوسازی نهادی	کاهش ناامیدی با الگوسازی نهادی موفق
		– الگوگیری نهادی از کسب‌وکارهای موفق
		– تقویت مدل‌های نقش نهادی برای کارآفرینی
		– توسعه ذهنیت کارآفرینانه نهادی از کودکی
	برندسازی نهادی	معرفی نمونه‌های موفق نهادی کارآفرینی
		ارتقای مقبولیت فرهنگی نهادی کارآفرینی
		تقویت مدل‌های نقش نهادی کارآفرینانه
		برندسازی نهادی داستان‌های موفقیت
		نقش رسانه‌های محلی نهادی در برندسازی
		تقویت رسانه‌های نهادی برای کارآفرینی
	فرهنگ‌سازی نهادی	– تقویت خوشنامی و اعتبار نهادی منطقه
		– شبکه‌سازی نهادی از طریق حسینه‌ها
		ارزش‌آفرینی فرهنگی–مذهبی نهادی
		تقویت فرهنگ معنوی نهادی
		مدیریت تعصبات نهادی محلی
		– تأثیر باورهای مذهبی نهادی بر کسب‌وکار
		– باور نهادی مدیران به فرصت‌های کارآفرینی
		کاهش دیدگاه‌های سنتی نهادی در پذیرش فناوری
		کاهش مشاغل کاذب نهادی زودبازده
		کاهش دلالی منفی نهادی در منطقه

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

در ادامه چارچوب پیشنهادی پژوهش بر اساس مطالعه مبانی نظری و همچنین جدول کدگذاری داده‌های تحقیق ارائه گردیده است.



شکل ۲: چارچوب پیشنهاد تحقیق

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر توسعه کارآفرینی منطقه‌ای در استان اردبیل، بر پایه رویکردی نهادگرایانه و با تأکید بر ضرورت بومی‌سازی چارچوب‌های نظری، به بررسی نقش نهادهای رسمی و غیررسمی در شکل‌دهی به فعالیت‌های کارآفرینانه در سطح منطقه‌ای پرداخت. یافته‌های این مطالعه، که از طریق تحلیل کیفی داده‌های مصاحبه با کنشگران کلیدی (از جمله اساتید دانشگاه، کارآفرینان و مدیران منطقه‌ای) به دست آمده، نشان‌دهنده آن است که توسعه کارآفرینی منطقه‌ای نه تنها تحت تأثیر عوامل سطح کلان(ملی) و خرد(فردی) قرار دارد، بلکه به طور قابل توجهی به ترتیبات نهادی بومی وابسته است. این یافته‌ها با دیدگاه نورث (۱۹۹۱) همخوانی دارد که نهادها را به عنوان محدودیت‌های انسان‌ساخته‌ای توصیف می‌کند که عدم قطعیت را در تعاملات اقتصادی کاهش می‌دهند و عملکرد نوآورانه بنگاه‌ها را تسهیل می‌کنند. همچنین، با تأکید استرام (۱۹۹۰) بر مدل‌های نهادهای سیاسی و اجتماعی مبتنی بر انتخاب عقلانی، تأیید می‌شود که نهادهای محلی می‌توانند مسیرهای توسعه مجزایی را برای هر منطقه ایجاد کنند.

از منظر تحلیلی، کدگذاری‌های انتخابی و محوری استخراج‌شده از داده‌ها، عوامل نهادی را در چندین طبقه اصلی سازمان‌دهی کرده‌اند که هر کدام نقش پیشران یا بازدارنده‌ای در فرآیند کارآفرینی ایفا می‌کنند. در طبقه بسترسازی منطقه‌ای، تسهیلگری از طریق زیرساخت‌های فیزیکی، خدمات حمایتی دولتی و توانایی مسئولان محلی در اجرای سیاست‌های خودمختار برجسته است؛ این عوامل با ایجاد محیطی حمایتی، امکان بهره‌برداری از پتانسیل‌های کارآفرینانه را فراهم می‌آورند، اما موانعی همچون بروکراسی اداری و هزینه‌های بالای تولیدات فناورانه، مانع‌زدایی را ضروری می‌سازد. طبقه پیشرانی منطقه‌ای بر انگیزه‌بخشی، رقابت‌پذیری و ریسک‌پذیری تمرکز دارد، جایی که حمایت‌های مالی و معنوی (مانند ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر) و تحول در ارزش‌های فرهنگی (مانند کاهش محافظه‌کاری خانواده‌ها) به عنوان محرک‌های کلیدی شناسایی شدند. این یافته با نظریه هل دادن و کشیدن (آلوارز و همکاران، ۲۰۰۶) هم‌راستا است که انگیزه‌های کارآفرینانه را تحت تأثیر عوامل محیطی می‌داند. علاوه بر این، طبقه پایدارسازی بر تحمل‌پذیری اجتماعی (مانند کاهش تنش‌های قومی و افزایش سرمایه اجتماعی) و آگاه‌سازی (از طریق سرریز دانش و آموزش مستمر) تأکید دارد، که این عناصر نهادهای غیررسمی را به عنوان پایه‌ای برای پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه برجسته می‌کنند. طبقه زمینه‌سازی با تمرکز بر بوم‌محوری (مانند بهره‌برداری از استعدادهای محلی و بازارهای منطقه‌ای) و خانواده‌محوری (مانند

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

یادگیری غیررسمی از کسب‌وکارهای خانگی)، نشان می‌دهد که نهادهای بومی می‌توانند دانش محلی را با نوآوری ادغام کنند، که این امر با دیدگاه آمارتیا سن (۱۳۸۴) مبنی بر ضرورت ترکیب دانش بومی و وارداتی همخوانی دارد. این یافته‌ها به طور کلی تأیید می‌کنند که شکست برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران، که در مقدمه پژوهش به آن اشاره شد، ریشه در استفاده کورکورانه از چارچوب‌های جهان‌شمول دارد (تبوادا و گوئررو، ۲۰۱۴). در عوض، بومی‌سازی نهادها - از طریق رویکرد از پایین به بالا - می‌تواند به ایجاد نهادهای برتر منجر شود که با اقتضائات محلی همخوانی داشته باشند. از نظر سیاست‌گذاری، پیشنهاد می‌شود که مقامات محلی بر مانع‌زدایی مقرراتی، تقویت شبکه‌های حمایتی و ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه‌های دانشگاهی تمرکز کنند، تا رقابت‌پذیری منطقه‌ای افزایش یابد. همچنین، توسعه خوشه‌های صنعتی و پارک‌های علم و فناوری می‌تواند به عنوان اهرمی برای تجاری‌سازی تحقیقات عمل کند، که این امر با مطالعات سامادی (۲۰۱۹) در مورد رابطه علی بین کارآفرینی و تغییرات نهادی سازگار است. با وجود این، پژوهش حاضر محدودیت‌هایی دارد، از جمله تمرکز بر نمونه‌ای هدفمند و عدم تعمیم‌پذیری آماری یافته‌ها به تمام مناطق ایران. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده با رویکرد کمی یا ترکیبی، تأثیر این عوامل را در مقیاس ملی ارزیابی کنند و نقش متغیرهای مداخله‌گر مانند تغییرات آب و هوایی یا تحولات دیجیتال را بررسی نمایند. در نهایت، این مطالعه بر اهمیت نهادگرایی بومی در توسعه کارآفرینی منطقه‌ای تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که سیاست‌های منطقه‌ای موفق، باید بر پایه درک عمیق از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محلی بنا شوند، تا به رشد پایدار و فراگیر منجر گردند.

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۱۱۶
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

References

Aidis, R., Estrin, S., & Mickiewicz, T. (2008). Institutions and entrepreneurship development in Russia: A comparative perspective. Journal of Business Venturing, 23(6), 656–672. https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2008.01.005

Alvarez, S. A., Agarwal, R., & Sorenson, O. (2006). Handbook of entrepreneurship research: Disciplinary perspectives. Springer.

Babchuk, W. A. (1996). Glaser or Strauss? Grounded theory and adult education. Midwest Research-to-Practice Conference in Adult, Continuing, and Community Education. https://files.eric.ed.gov/fulltext/ED401432.pdf

Baez, B., & Abolafia, M. Y. (2002). Bureaucratic entrepreneurship and institutional change: A sense-making approach. Journal of Public Administration Research and Theory, 12(4), 525–552. https://doi.org/10.1093/oxfordjournals.jpart.a003544

Boschma, R. (2005). Proximity and innovation: A critical assessment. Regional Studies, 39(1), 61–74. https://doi.org/10.1080/0034340052000320887

Busenitz, L. W., Gómez, C., & Spencer, J. W. (2000). Country institutional profiles: Unlocking entrepreneurial phenomena. Academy of Management Journal, 43(5), 994–1003. https://doi.org/10.5465/1556423

Caniëls, M. C. J., & van den Bosch, H. (2011). The role of higher education institutions in building regional innovation systems. Papers in Regional Science, 90(2), 271–286. https://doi.org/10.1111/j.1435-5957.2010.00344.x

Chavance, B. (2009). Institutional economics. Routledge.

Feldman, M. P. (2001). The entrepreneurial event revisited: Firm formation in a regional context. Industrial and Corporate Change, 10(4), 861–891. https://doi.org/10.1093/icc/10.4.861

Feng, Y. (2003). Democracy, governance, and economic performance: Theory and evidence. MIT Press.

Fuentes, C. A., Sánchez, M. A., & Villalobos, P. (2015). Institutional change and entrepreneurship: The impact of incremental reforms. Journal of Institutional Economics, 11(3), 581–602. https://doi.org/10.1017/S1744137414000487

Geels, F. W. (2004). From sectoral systems of innovation to socio-technical systems: Insights about dynamics and change from sociology and institutional theory. Research

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

Policy, 33(6-7), 897–920. https://doi.org/10.1016/j.respol.2004.01.015

Glaser, B. G. (1978). Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory. Sociology Press.

Greenwood, R., & Suddaby, R. (2006). Institutional entrepreneurship in mature fields: The big five accounting firms. Academy of Management Journal, 49(1), 27–48. https://doi.org/10.5465/amj.2006.20785498

Hodgson, G. M. (2001). How economics forgot history: The problem of historical specificity in social science. Routledge.

Hodgson, G. M. (2006). What are institutions? Journal of Economic Issues, 40(1), 1–25. https://doi.org/10.1080/00213624.2006.11506879

Kalantaridis, C., & Fletcher, D. (2012). Entrepreneurship and institutional change: A research agenda. Entrepreneurship & Regional Development, 24(3-4), 199–214. https://doi.org/10.1080/08985626.2012.670914

Khalil, E. L. (1994). Rules and institutions: A review of the literature. Journal of Institutional and Theoretical Economics, 150(1), 252–267.

Kozul-Wright, R., & Rayment, P. (1997). The institutional embeddedness of economic change: Transition in Eastern Europe. Oxford Development Studies, 25(3), 307–324. https://doi.org/10.1080/13600819708424139

Lee, S. Y., Florida, R., & Acs, Z. J. (2007). Creativity and industrial clusters. Regional Studies, 41(1), 55–70. https://doi.org/10.1080/00343400601120291

Mitchell, D. T., & Campbell, N. D. (2009). Corruption's effect on entrepreneurship. Journal of Entrepreneurship and Public Policy, 2(1), 45–60.

Moghaddam, A. (2006). Coding issues in grounded theory. Issues in Educational Research, 16(1), 52–66. http://www.iier.org.au/iier16/moghaddam.html

Moerschell, L., & Lao, T. M. (2012). Reflective coding matrices: Tools for qualitative data analysis. Qualitative Report, 17(4), 1–15.

North, D. C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge University Press.

North, D. C. (1991). Institutions. Journal of Economic Perspectives, 5(1), 97–112. https://doi.org/10.1257/jep.5.1.97

Nyström, K. (2008). The institutions of economic freedom and entrepreneurship: Evidence

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۱۷
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

from panel data. Public Choice, 136(3-4), 269–282. https://doi.org/10.1007/s11127-008-9295-9

Otahal, T. (2012). Institutional entrepreneurship and economic development. Economic Affairs, 32(3), 84–87. https://doi.org/10.1111/j.1468-0270.2012.02167.x

Reynolds, P. D. (1997). New and small firms in expanding markets. Small Business Economics, 9(1), 79–84. https://doi.org/10.1023/A:1007967620768

Rodríguez-Pose, A. (2010). Do institutions matter for regional development? Regional Studies, 47(7), 1034–1047. https://doi.org/10.1080/00343404.2012.748978

Samadi, A. H. (2019). Institutional quality and entrepreneurship: A re-examination. Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies, 11(4), 561–582. https://doi.org/10.1108/JEEE-08-2018-0078

Santarelli, E., & Vivarelli, M. (2007). Entrepreneurship and the process of firms' entry, survival and growth. Industrial and Corporate Change, 16(3), 455–488. https://doi.org/10.1093/icc/dtm010

Schilirò, D. (2012). Knowledge-based economies and the institutional environment. Theoretical and Practical Research in Economic Fields, 3(1), 42–50.

Scott, K. W. (1995). Creating a qualitative research design: A grounded theory approach. Sage Publications.

Scott, K. W., & Howell, D. (2008). Clarifying analysis and interpretation in grounded theory: Using a conditional relationship guide and reflective coding matrix. International Journal of Qualitative Methods, 7(2), 1–15. https://doi.org/10.1177/160940690800700201

Sen, A. (1384). Development as freedom (M. Qa'ed, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (Original work published 1999).

Shane, S. (2003). A general theory of entrepreneurship: The individual-opportunity nexus. Edward Elgar Publishing.

Sternberg, R., & Rocha, H. O. (2007). Why entrepreneurship is a regional event: Theoretical arguments, empirical evidence, and policy implications. In M. P. Feldman & J. J. Francis (Eds.), The handbook of research on entrepreneurship in a regional context (pp. 215–238). Edward Elgar Publishing.

Strauss, A., & Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Sage Publications.

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]

Taboada, I., & Guerrero, D. F. (2014). Institutions and entrepreneurship: A comparative analysis. Journal of Developmental Entrepreneurship, 19(3), 1450016. https://doi.org/10.1142/S1084946714500163

Wagner, J. (2004). Are young and small firms hothouses for nascent entrepreneurs? Evidence from German micro data. Applied Economics Quarterly, 50(4), 379–391.

Westlund, H., & Bolton, R. (2003). Local social capital and entrepreneurship. Small Business Economics, 21(2), 77–113. https://doi.org/10.1023/A:1025024009072

Whitley, R. (2000). The institutional structuring of innovation strategies: Business systems, firm types and patterns of technical change in different market economies. Organization Studies, 21(5), 855–886. https://doi.org/10.1177/0170840600215002

Wiesche, M., Jurisch, M. C., Yetton, P. W., & Krcmar, H. (2017). Grounded theory methodology in information systems research. MIS Quarterly, 41(3), 685–701. https://doi.org/10.25300/MISQ/2017/41.3.02

Yu, T. F.-L. (2001). Entrepreneurial alertness and discovery. Review of Austrian Economics, 14(1), 47–63. https://doi.org/10.1023/A:1007851111155

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۲۰
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

DOI.01.01.05

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

پاداش، حمید؛ خداپناه، بهمن (۱۴۰۴)، «شناسایی عوامل نهادی موثر بر توسعه کارآفرینی منطقه‌ای(مطالعه موردی: استان اردبیل)» فصلنامه پیشرفت و توسعه نهادی، س۱، ش۱، بهار ۱۴۰۴، صص ۱۲۰-۹۹.

[Downloaded from www.qipd.ir on 2026-11-18]